

نگاهی به صف آرائی ها و چالش های صحنه "انتخابات" در آستانه دقیقه 90

تقی روزه

یک آرایش سه قطبی مرکب از سه رویکرد متفاوت در درون و پیرامون حاکمیت شکل گرفته است که شامل دو گرایش افراطی و محافظه کار اصول گرایان، و صف اصلاح طلبان و اعتدال گراها و اصول گرایان منتقد و میانه روی می باشد. بجز روحانی،- و صرف نظر از غرضی که در نظر سنجی ها محلی از اعراب ندارد- بقیه کاندیداها در طیف اصول گرایان قرار دارند گرچه در این میان محسن رضائی خود را اصول گرای مستقل و غیر جناحی می داند.

سه شقه شدن صف اصول گرایان به افراطی ها و محافظه کاران سنتی و میانه روها، یکی از ویژگی های مهم این دوره است. در دوره گذشته به دلیل اعمال نفوذ خامنه ای، اصول گرایان سنتی و محافظه کار عملاً زیر چتر بخش افراطی قرار گرفتند، اما تجربه احمدی نژاد و تعمیق بحران و تضعیف موقعیت فصل الخطابی خامنه ای آن ها را به صرافت گزین کاندید مستقل و نزدیک به خود که اکنون ولایتی آن را نمایندگی می کند انداخت، و بخش های میانه آن نیز در ائتلاف با رفسنجانی و اصلاح طلبان قرار گرفته اند. برخوردهای افشاگرانه ولایتی علیه سعید جلیلی در مناظره سوم بخوبی فاصله گیری این جریان سنتی و محافظه کار از سیاست های جناح افراطی را که مورد حمایت رهبری و نهاد های نظامی و امنیتی و مصباح یزدی است، بر ملا ساخت.

پراکندگی درونی اصول گرایان با توجه به ائتلاف اصلاح طلبان و رفسنجانی و اصول گرایان میانه رو حول حسن روحانی، اکنون به مهم ترین معضل و دغدغه خاطر جناح حاکم نسبت به تقسیم آراء آن ها تبدیل شده است. ذوالنور و کیهان از آن ها خواسته اند که هر چه زودتر برای دست یابی به یک کاندید واحد به توافق برسند وگرنه خطر شکست وجود دارد. از سوی دیگر نظر سنجی های متعدد نشان دهنده رشد صعودی و شتابان آراء روحانی بویژه پس از استعفای عارف و تأیید قاطع خاتمی و رفسنجانی از وی شده و اکثراً او را پیشتر از دورا و حتی بعضاً پیروز مرحله نخست می دانند. در حالی که آراء قالیباف که قبلاً در رأس این نوع نظر سنجی ها قرار داشت با شتاب در حال افول است. با این وجود آیا اصول گرایان خواهند توانست به وحدت برسند؟ بنظرمی رسد حصول به چنین وفاقی در دقیقه 90 و لااقل در دور اول دشوار باشد، مگر آن که یک "دست نامرئی" مداخله ضربتی نماید. اگر در این فاصله کوتاه رویداد غیر مترقبه ای، هم چون احساس خطر پیروزی مطلق روحانی در همان مرحله اول رخ ندهد، ظاهراً آن ها ترجیح می دهند که در دور اول هر کدام به وزن کشتی خود پرداخته و تکلیف سرکردگی و این که چه کسی زیر چتر چه کسی برود را روشن کنند. در حقیقت ولایتی نماینده بخش سنتی اصول گرایان اعم از روحانیت و مؤتلفه و جبهه پیروان خط امام و بخش هایی از بازار است. از این رو کناره گیری وی به نفع سعید جلیلی که گفتمان باصطلاح ناب مقاومت و تداوم سیاست های تاکتونی را نمایندگی می کند بعید بنظرمی رسد. رقیب دیگر آن ها قالیباف است که هم دارای حامیانی در سپاه است و هم بدلیل وجهه پراگماتیستی خود مد نظر بخشی هائی از شهروندان می باشد و بدلیل داشتن آراء بیشتر در نظر سنجی ها امکان کناره گیری اش ضعیف است. او بین این دو قطب اصلی قرار گرفته، و سیاست گاهی به میخ و گاهی به نعل را پیش گرفته و با هردوی این طیف به نوعی هم همپوشانی دارد و هم رقابت. بی تردید کاندید مطلوب و حداکثری اصول گرایان افراطی سعید جلیلی است و کاندید حداکثری سنت گرایان نیز ولایتی است و در این میان موقعیت برتر تاکتونی قالی باف شکننده بوده و از دو سومورد تهدید است: از یک سو بدلیل همان سیاست هم به میخ و هم به نعل یعنی بازی همزمان در دو زمین، کاندیدی مطلوب و حداکثری برای اصول گرایان از هردو طیف محسوب نمی شود. از سوی دیگر مطرح شدن روحانی میانه رو و نزدیک به رفسنجانی به کاندید مشترک و مورد حمایت اصلاح طلبان و کارگزاران و افزایش شتابان آراء او در نظر سنجی ها، به معنی ریخته شدن بخش هائی از رأی دهندگان متمایل به قالی باف به سبب اوست، همانطور که بخشی از آراء اصول گرایان سنتی نیز به سود وی ریزش می کند. با این وجود، دوگرایش اصول گرا- چه در دور اول و چه حتی در دور دوم- اگر بخواهند در برابر رقیب برتر از خود در نظر سنجی ها مات نشوند به ناگزیر باید به سازش برسند که چیزی جز کنار رفتن به سود قالیباف و تقویت موقعیت وی در برابر حریف مشترک نیست. در هر حال بنظرمی رسد که تلاش و سودای بیت رهبری و حامیان آن باشد که رقابت نهائی بین قالیباف و سعید جلیلی و یا حداکثر بین قالیباف و ولایتی باشد. البته کسب چنین نتیجه ای، اگر قرار به دخالت دست غیبی نباشد، در شرایط کنونی دشوار به نظر می رسد. چرا که در فضای موجود همانطور که اشاره شد رویکرد رأی دهندگان به روحانی با شتاب زیادی در حال گسترش است و بخش های روبه گسترشی از شرکت کنندگان در گزین بین بد و بدتر با توجه به جمیع جهات از جمله اتخاذ رویکرد کمابیش انتقادی و شعارها و وعده هائی که روحانی در مناظره ها و میتینگ های انتخاباتی خود می دهد، و افزایش حساسیت بیشتر افکار عمومی در منزوی ساختن کاندید مورد نظر بیت رهبری، شانس عروج وی اگرچه در همان دور اول ولی برای دور دوم و رقابت نهائی کم نیست. واقعیت آن است که عملکرد منفی 8 ساله گذشته کاندیدای نظر کرده رهبری در عرصه های داخلی و بین المللی به تضعیف موقعیت طیف حامی او منجر شده و کفه موازنه قوا در صفوف حامیان نظام را به طور نسبی به سود مدافعان تغییر سیاست های خارجی و داخلی کنونی باهدف کاستن از فشار های بین المللی و کنترل بحران چندوجهی موجود سنگین کرده و در مجموع موضع جناح افراطی و حاکم را شکننده تر ساخته است. چنین رویکردی البته در مغایرت و ناهمسوئی با سیاست های مورد نظر خامنه ای و باندهای حاکم قرار دارد: تنش زدائی در برابر تنش زائی، دولت وحدت ملی در برابر انحصار قدرت بدست باندهای حاکم. سیاست های

اقتصادی و سیاسی بازتر و ولایت مشروط دربرابرولایت مطلقه. از همین رو بعیداست که بیت رهبری و باندهای وابسته به او، به آسانی تن به پیروزی کاندید حداقلی که بقول وزیراطلاعات به معنای پنبه شدن همه آن چیزی است که در طی 8 سال گذشته بافته اند. هدف آن ها از تن دادن به مشارکت نرم ترین و مورد اعتمادترین کاندیداهای دست دوم اصلاح طلبان و حامیان رفسنجانی، عارف و روحانی، برای گرم کردن نتورانتخابات و بیرون کشیدن نان های گرم و برشته از قیل آن بوده است. مخالفت این جریان با حضور رفسنجانی فقط به خاطر موقعیت شخصی او نبوده است، بلکه بیش از آن بدلیل سیاست هائی بوده است که رفسنجانی سخن گوی آن به شمار می رود. گرچه ممکن است اعمال فشار از بالا نهایتاً برخی کاندیداهای اصول گرا را ناچار به کناره گیری بخصوص در میان سه نفر اصلی قالیباف، ولایتی و جلیلی نماید تا بقول کیهان شریعتمداری برای آراء انبوه ولی پراکنده اصول گرایان راه نجاتی یافته شود. اما چنین تدبیر دیر هنگام حتی در صورتی که فعلیت هم پیدا کند، باز هم معلوم نیست که قادر به دفع خطر و پیشی گرفتن از حریف باشد. بهمین دلیل، در صورتی که دست اندرکاران به این نتیجه برسند که با ساز و کارهای مهندسی موجود نتوانند از عهده مقابله با آراء روحانی چه در دور اول و چه بویژه در دور دوم که احتمال آن قوی اتر است بر آیند، با احتمال زیاد همان دست غیبی که در سال 88 آراء را دزدید، و این بار شورای نگهبان را مأمور به رد صلاحیت رفسنجانی نمود، بار دیگر در صحنه ظاهر شده و فرمان به تغییر نتیجه آراء صندوق ها بسود دوگزینه نهائی بدهد* . بفرص اگر تمکینی به نتیجه صندوق ها صورت گیرد، آنگاه باید در اندازه و ابعاد شکنندگی موقعیت رهبری در برابر مخالفان درونی نظام و چرخش توازن نیرو و تحمیل آن به رهبر نظام تجدید نظر کرد. البته در صورت دستکاری در نتیجه تغییر آراء مردم معلوم نیست واکنش رأی دهندگان در "انتخابات" نسبت به دزدیده شدن آرایشان با توجه به تجربه سال 88 چه خواهد بود، هم چنان که معلوم نیست واکنش رژیم در برابر اعتراض محتمل مردم با توجه به تجربه برآمد اعتراضی 88 چه گونه خواهد بود؟ در هر حال احتمال تغییر نتیجه آراء ریخته شده به صندوق ها در صورت احساس خطر کم نیست، آنقدر که حتی خاتمی در بیانیه تشکر از کناره گیری عارف، ابراز امیدواری کرده است که موج بزرگ مشارکت مردمی بتواند مانع از آن شود. نباید فراموش کرد که خط و نشان کشیدن احمدی نژاد به حریفان، پس از کنار گذاشته شدن کاندید مورد نظرش به طور چشمگیری فروکش کرده و چه بسا تمکین او به خواست باندهای حاکم و همراهی ضمنی اش با جریان حامی مصباح یزدی و سعید جلیلی، امکان دستکاری در آراء صندوق ها را آسان تر کرده باشد.

در خاتمه این نوشته لازم است به چهار نکته مرتبط با نمایش انتخاباتی اشاره گذرانی بکنم: اول آن که حتی اگر رژیم به تواند به سلامت از هفت خوان "انتخابات" عبور کند، از فردای پیروزی با صف گسترده ای از اپوزیسیون داخلی خود، و با مردمی ناراضی تر و خوشمگین تر که به آرایشان خیانت شده و با فشارهای بیشتر جهانی که مترصد نتیجه "انتخابات" هستند، مواجه گشته و در مجموع با پیکری ضعیف تر و شکننده تر از گذشته به دوره پسا انتخاباتی گام خواهد گذاشت. دوم آن که گرچه خامنه ای و سردمداران نظام شرکت در انتخابات و رأی به هریک از کاندیداها را رأی به نظام می دانند و با پشت گرمی آن بیشتر می تازند، و سخنان اخیر خامنه ای که خواهان شرکت حداکثری برای نشان دادن اقتدار نظام به دشمنان شده و حتی مخالفین نظام را هم دعوت به شرکت در انتخابات نموده است، اما سوی دیگر واقعیت آن است که بخش بزرگی از آرائی که به صندوق ها ریخته می شود، رأی اعتراضی و باهدف کنار زدن کاندید حداکثری و نظر کرده رهبری و باندهای حاکم و بخشا نیز بخاطر مهر شناسنامه و دریافت یارانه و نظایر آن است تا باور به نظام، و بهمین دلیل آرائی هستند بالقوه شکننده که در اولین موج های سرخوردگی از دولت جدید، به صفوف سایر اعتراض کنندگان پیوسته و حقانیت مواضع آن ها را تأیید خواهند کرد. سوم آن که شعار تحریم انتخابات گرچه بدلیل مانورهای رژیم و بویژه نقش و تلاش منحصر به فرد جبهه اصلاح طلبان و اعتدال گراها در شکستن جو تحریم، بطور اجتناب ناپذیر از پایگاه توده ای و وسعت دامنه آن خواهد کاست، با این حال تاهمین جا صفوف تحریم نیز از صراحت و وسعتی گسترده بی نصیب نیست. آش مهندسی انتخابات چنان شور شده است که حتی بخش هائی از اپوزیسیون درونی نظام و یا سبزه ها و ملی مذهبی ها و مجاهدین انقلاب اسلامی و نظایر آن ها به تلویح یا به آشکار انتخابات را تحریم کرده اند. نکته چهارم آن که حتی اگر باندهای حاکم به دلیل وضعیت آچمز شدگی و غافلگیر شدن و یا ابعاد وخامت شرایط داخلی و جهانی، تن به گزینش فرد معتدل و امنیتی و کارگشته ای چون حسن روحانی بدهند، همانطور که خاتمی در سخنانش پیرامون دلیل امتناعش از نام نویسی بیان داشته بود، حتی اگر رد صلاحیت هم نشود و صندوق های رأی هم دستکاری نشود، بخش های مختلف نظام آنقدر برابر چنین رئیس جمهوری کارشکنی خواهند کرد که اوضاع از آن چه که هم هست وخیم تر شده و اصلاح طلبان هم بدلیل فشار سنگین انتظارات مردم و ناکامی در پیشبرد وعده های داده شده، بی اعتبار خواهند شد. او با استناد به همین دلایل، عطای نام نویسی برای ریاست جمهوری را به لقایش بخشید ولی ظاهراً مرگ خوبست است ولی برای همسایه!

نتیجه:

مقطع انتخاباتی در نظام اسلامی عموماً فرصتی است برای بلور بندی و قطب بندی بحران اعم از تضادهای درونی و صف آرائی بخش های بزرگی از جامعه. گرچه رژیم با حذف کاندیداهای حداکثری اصلاح طلبان و اعتدال گرایان، بر آن شد که گربه را دم حجله به کشد و از قطب بندی و صف آرائی بزرگ در برابر خود جلوگیری کند، با این همه سیر رویدادها حاکی از آن است که امکان قطب بندی حول کاندیداهای حداقلی نیز محتمل است که بتواند رژیم را غافلگیر کرده و آن را بر سر دو راهی تقلب گسترده و یا با درجه احتمال کمتری خوردن جام زهر و تمکین به نتایج صندوق و گزین رئیس جمهوری از صف مقابل نماید. که البته هر دو حالت متضمن تشدید بحران و بهم ریختن صف

آرائی های موجود است. اکنون صحنه "انتخابات" به صورت یک بستر و دو رؤیا درآمدہ است کہ در آن یکی بر آن است کہ رأی اعتراضی را به سود حماسه سیاسی و رأی به نظام و اقتدار آن مصادره کند، و رؤیای دوم بر آن است کہ از این طریق رخنه ای در قلعه بسته قدرت بوجود آورده و راهی به جلو بگشاید. در روزهای آتی محتمل است کہ شاهد گسترش کشاکش بین این دورویکرد باشیم.

1392-03-23 13-06-2013

[/http://roozbe.wordpress.com](http://roozbe.wordpress.com)

*- نگاه کنید به مطلبی تحت عنوان پرواز شبی برفراز "انتخابات":

<http://roozbe.wordpress.com/2013/06/12/shabahi-bar-faraz-ent/#more-260>